

میدون و سوفیا

مسئولان دقیقا کجا هستند؟



پوریاء عالمی

● ما تا الان هر چی دوست داشتیم که نمی‌توانستیم بنویسیم یا بسازیم یا ببینیم یا بخوریم یا بخوانیم یا ببویسیم یا بخیریم یا بفروشیم یا بروسیم یا بگوئیم یا بشنویم یا بیوشیم، تنها کاری که می‌توانستیم بکنیم این بود که اسممان را خودمان تعیین کنیم که خوشبختانه چند روز پیش سخنگوی سازمان ثبت‌احوال کشور گفت: «با تشکیل کمیته نام، امکان انتخاب هر نامی برای فرزندان توسط والدین وجود ندارد.» به نظر ما از اول هم باید همین می‌بود. اصلا اینکه آدم می‌بیند مسئولان دارند مشکلات مملکت را ریشه‌ای حل می‌کنند آدم عشق می‌کند و چه مشکلی ریشه‌ای‌تر از اینکه مردم چه اسمی روی بچه‌شان می‌گذارند؟ تا دیروز اگر اسم مغازه‌ها را یک‌طوری می‌گذاشتی بکهو تابلوی مغازه‌ها را پایین می‌کشیدند. الان اسم روی بچه بگذاری، بکهو خودت را پایین می‌کشند. اتفاقا اینکه اداره ثبت‌احوال گفته مملکت هرکی هرکی نیست که هرکی دلش خواست هر اسمی روی بچه‌اش بگذارد نشان می‌دهد که صدای اعتراض‌ها و انتقاد‌های مردم به گوش مسئولان رسیده؛ مثلا ما در ماه‌های گذشته اعتراض داشتیم که این چه وضع اقتصاد است؟

مسئولان می‌گویند: این چه وضع اسم است که روی بچه‌ها گذاشتی؟ نتیجه؟ ما چندماه دیگر این موضوع می‌شویم که چه اسمی را که دوست داریم روی بچه‌ها بگذاریم که آخرش هم اسمی را می‌گذاریم که مسئولان دوست دارند، پس اصلا یادمان می‌رود که ما نسبت به وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور اعتراض داشتیم. سوفیا، عشق اول و آخر من، می‌گوید باباش مثل مسئولان ایران است؛ یعنی می‌گویند: ما می‌رفتم می‌گفتم چرا شش ماه است پول توجیبی ما را ندادی؟ و چرا شبانه به قلک ما هجوم بردی؟ زود باش حق و حقوق ما را بده.

بابای سوفیا جواب می‌داده: پسر! چرا نمره ریاضیت خوب نیست؟ اگر فردا ریاضی ۲۰ نگیری شش ماه از پول توجیبی خبری نیست. بهترین استراتژی، استراتژی بابای سوفیاست. راستش من همیشه فکر می‌کنم بابای سوفیا شبانه می‌رود به مسئولان دولت مشاوره می‌دهد.

جمع‌بندی

سوفیا... عشقم... مسئولان می‌گویند ما کی ازدواج کنیم، با کی ازدواج کنیم، کی بچه‌دار شویم، اسم بچه‌ها‌مان چی باشد، چی بپوشیم، چی بخوریم، چی بخوانیم، چی ببینیم، کجا برویم، کجا نرویم، با کی دوست باشیم، با کی دوست نباشیم، کدام سایت برویم، کدام سایت نرویم، کدام شبکه را ببینیم، کدام شبکه را نبینیم، خب چرا مسئولان لباس ما را نمی‌پوشند و مسواک ما را نمی‌زنند و جای ما دنبال شغل نمی‌گردند و جای ما استرس تورم و قیمت دلار و اجاره خانه نمی‌کشند؟ اگر اینها را هم انجام دهند آیا ما عاشق مسئولانمان نمی‌شویم و با روی پا نمی‌انداریم و به جهان فخر نمی‌فروشیم؟

عاشق بی‌نام تو؛ میدون دوم

نکته

مبارزه با نژادپرستی



● **ایسنا:** چندی پیش صاحب ۲۳ ساله مغازه‌ای در شهر دزیزلی ترکیه، سه پلاکاردا را روی ویتترین مغازه‌اش چسباند و محتوای این پلاکاردها این بود که شهروندان افغانستان، سوریه و ایران نمی‌توانند وارد این مغازه شوند و خرید کنند و اگر وارد این مغازه شوند، کتک می‌خورند! چند روز بعد، یک مهاجر با دیدن این پلاکاردا، عکس آن را گرفت و تصویر را در فضای مجازی منتشر کرد. این عکس تنها در شبکه‌های اجتماعی ایران بازتاب نداشت، بلکه روزنامه‌های ترکیه نیز به این مسئله پرداختند. برخی از شهروندان ترک نیز با انتشار عکس در صفحات شخصی خود، آن را محکوم کردند. یکی از شهروندان ترکیه با ابراز تأسف نوشت: «حتی راستی‌ها در غرب هم علیه مهاجران این‌گونه نوشتند». کار بالاگرفت آنجا که شبکه دولتی TRT ترکیه اعلام کرد علاوه‌بر پلیس، استانداری دزیزلی نیز تحقیقاتی را دراین‌باره آغاز کرده است. پس از افزایش جنجال‌ها درباره این پلاکاردها، پلیس مغازه‌دار را برای ارائه توضیحات درباره این پلاکاردها بیگانه‌ستیز بازداشت و پس از مدتی وی را آزاد کرد و ایس پلاکاردها هم را روی شیشه مغازه برداشته شد. دزیزلی یکی از شهرهای جنوب‌غربی ترکیه است که در فاصله ۴۶۶ کیلومتری در جنوب‌غربی آنکارا قرار دارد. این شهر میزبان بیش از ۱۵ هزار پناه‌جو و مهاجر است که پناه‌جویان سوری در راس آن قرار دارند. همچنین برخی از پناه‌جویان ایرانی در این شهر به صورت موقت برای رفتن به کشورهای اروپایی و آمریکا حضور دارند.

روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۷ • ۸ صفر ۱۴۴۰ • ۱۸ اکتبر ۲۰۱۸ • سال شانزدهم • شماره ۲۲۷۱ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ • اذان مغرب ۱۷:۴۴ • اذان صبح فردا ۴:۵۰ • طلوع آفتاب ۶:۱۴

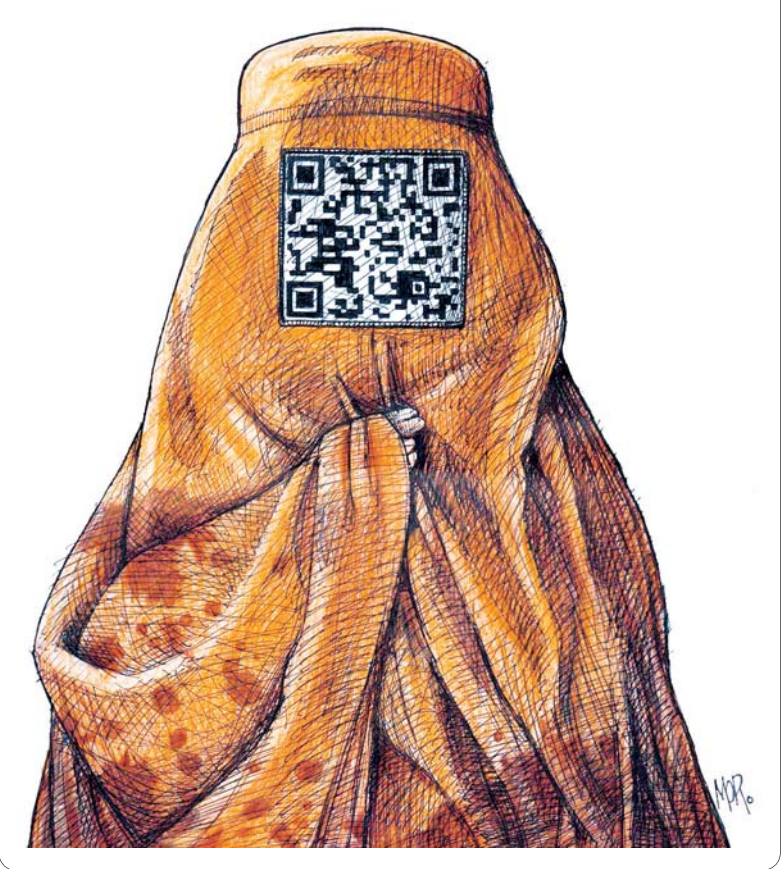
روزنفرها

کارتون خواب

مایکل مورو گومز



جای خالی زنان در شعارهای بانوان نامزد در کابل



قصه‌های شهر

مغله یک ملانقطی

است که چرا حرف‌زدن و نوشتن پاکیزه و رساندن مقصود با کلمه‌ها و عبارات درست و دلنشین آن‌قدر برایمان سخت شده؟ در طول روز جملاتی سریع و بی‌روح و آهنگ پرت می‌کنیم میان خودمان و غافلیم که این کلمات چه سهم بزرگی در شکل زندگی و شخصیتمان دارند. همین هفته پیش بود که محمد دبیرسیاقی رخ در نقاب خاک کشید. یکی از برجسته‌ترین عناوین او لغت‌شناسی بود که از شاگردی دهخدا کسب کرده بود که لغت‌نامه مفصلش را ایین روزها به‌سادگی می‌توان داخل گوشی موبایل ریخت و از هزاران لغت بامعاد در شکل درستش استفاده کرد. ارزش لغت و قلم که خادان به آن سوگند خورده، لابد آن‌قدر هست می‌کند، اما احساس من این است که جادویی در کلمات وجود دارند که به شکل عجیبی بخشی از شخصیت ما را شکل می‌دهند. وقتی یک متن با غلط املایی زیاد، با جملات کج‌وکوله و کلمات دم‌دستی را می‌خوانم، ناخودگاه احساس می‌کنم با یک آدم سلخته روبه‌رو هستم. نه‌اینکه فکر کنید اگر کسی وسط حرف‌هایش از کلمات قلمبه‌سلمبه استفاده کند یا به‌جای سلام بگوید درود به نظرم خیلی فرهیخته می‌آید. اینکه نسل جدید از عبارات و اصطلاحاتی در کلامشان استفاده می‌کنند که در دایره خز و خفن و داف می‌چرخد هم خاطر مبارکم را به‌هم نمی‌ریزد، بلکه برعکس فکر می‌کنم این زنده‌بودن یک زبان را نشان می‌دهد که نسل جوان آن مثل همه دنیا می‌توانند اصطلاحات خاص خودشان را از آن استخراج کنند. مشکل بیشتر این



گیتی صفرزاده

دیگران

تراپ ما را می‌کشد

ایندیندنت: مایکل مور، مستندساز مستقل و البته ضدتراپ‌پ که در یک برنامه تلویزیونی پرتعداد شرکت کرده بود، درباره نامزدهای دوره بعد ریاست‌جمهوری نظرات خود را بیان کرد. او با اشاره به پیروزی تراپ در انتخابات سال ۲۰۱۶ گفت: «آمریکایی‌ها به دنبال یک آمریکایی سرشناس هستند؛ کسی که بتواند با عشق به او رای دهند».

او ادامه داد: «من از اپرا وینفری خواسته‌ام که در انتخابات شرکت کند. من از تام هنکس دو بار خواسته‌ام که برای انتخابات ریاست‌جمهوری نامزد شود. واقعا تمام هنکس انتخاب خوبی



امان‌الله قریبی‌مقدم
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

توصیه‌های اخیر برخی از متفکران اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که به‌عنوان «گروه مرجع و داوری» محسوب می‌شوند و در کاخ‌ها زندگی می‌کنند، در شرایطی که جامعه با وضع نابسامان اقتصادی روبه‌روست و مشکلات فراوانی در جامعه وجود دارد، نشان از وخامت وضعیت «سرمایه اجتماعی» در جامعه ما دارد. سرمایه‌های اجتماعی یعنی همدلی و هم‌زبانی و امیدواری به آینده و وجود اعتماد «افقی و عمودی»؛ یعنی اعتماد بین مردم با مردم و عمودی یعنی اعتماد بین مردم با مسئولان و برعکس. به‌نظر فرانسیس فوکویاما، اعتماد از مهم‌ترین عوامل سرمایه اجتماعی است و موجب احساس یگانگی، استحکام و تعهدات دوجانبه بین مردم و مسئولان، حس تفاهم، رفاقت و دوستی، انثار، احساس همدردی و تحکیم روابط اجتماعی بین مردم و با مسئولان می‌شود. «سرمایه اجتماعی» از لحاظ جامعه‌شناسی اهمیت و تأثیر بیشتری از سرمایه‌های اقتصادی، تکنولوژیکی و منابع طبیعی و نیروی انسانی در رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و روحی و روانی در جامعه دارد، زیرا پیونددهنده و عامل چسبندگی این نوع سرمایه‌گذاری‌ها و موجب بازدهی و کارایی بیشتر آنها می‌شود و رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و آرامش روحی و روانی به‌بار می‌آورد. سرمایه اجتماعی «مفهوم فرهنگی» دارد و نهادها، ارزش‌ها، هنجار‌ها، باورها و ذهنیت فکری را مناسب و تسهیل و مساعد می‌کند و حمایت‌ها و ارتباطات اجتماعی بین افراد و گروه‌ها و نهادها را سهولت می‌بخشد. به عبارت دیگر اگر سرمایه اجتماعی و فرهنگی ضعیف یا به‌قول ژوزف شومپیتر در اصل هشتم و یازدهم نظریه توسعه اقتصادی آب‌وهوای

سلام به فردا

سرمایه اجتماعی را دریابید

نیست، زیرا علاوه‌بر آن لازم است که میدان و برد مهارت‌ها را تعمیم دهیم و ارزش‌ها و هنجار‌های فرهنگی یا سرمایه اجتماعی تعمیم یابد و مناسب باشد. او در جای دیگری می‌نویسد: «بدیخته‌انه هیچ سازمان و مقرراتی نمی‌تواند در این زمینه مؤثر باشد، مگر مردانی که آن را اداره می‌کنند بدانند چه‌کاری می‌خواهند انجام دهند». (کتاب توسعه اقتصادی- ترجمه دکتر سسیروس ابراهیم‌زاده- انتشارات یازند- صفحه ت- ج ۷- سال ۱۳۵۱)

نقش سرمایه اجتماعی در ارتباطات انسان‌ها به‌مثابه «چسب اجتماعی» یا عامل چسبندگی و حلقه اتصال ارتباط و پیوند سرمایه طبیعی، تکنولوژیکی، اقتصادی و انسانی به یکدیگر است و همه اجزا و عناصر و بافت‌های نظام اجتماعی را به هم متصل می‌کند و نگهبان آنهاست. به عبارت دیگر، اگر سرمایه اجتماعی کاهش یابد و وجود نداشته باشد، ارتباطات و پیوندهای اجتماعی به‌شدت با مشکل و خطر روبه‌رو می‌شوند. سرمایه اجتماعی اگرچه به چشم نمی‌آید و ذهنی است، اما همیشه در جهان امروز بسیار است. انسان‌ها در هنگام تماس با دیگران بدون آنکه زوایای روانی یکدیگر را ببینند و از حال‌وروز هم آگاهی یابند، صرفا جهت فیزیکی و مادی و ابعاد ظاهری و لباس، طلا و جواهرات، ماشین و منزل مسکونی معیار قضاوتشان در برابر یکدیگر است. به گفته پتریم سوروکین، استاد جامعه‌شناسی هاروارد، ذهنیت حسی و مادی بر تمام شئونات زندگی اجتماعی حاکم است یا به قول دبیدو رایزمن، استاد جامعه‌شناسی، «شیء‌سوروی» ملک داوری است و اشیا ارزش‌گذارند؛ یعنی انسان‌ها ارزش و اعتبار و شخصیت خود را از شیء یا وسیله‌اش می‌گیرند و در خدمت اشیای خود قرار دارند. این نکته بسیار با اهمیت و اساسی است که باید مورد توجه خاص مسئولان که مرجع و مورد داوری جامعه هستند قرار گیرد که با مردم این‌گونه سخن نگویند و با مردم و از مردم باشد.

نگاه سبز

قلب زمین را نجات دهیم

یکی از دست‌نخورده‌ترین مناطق این سیاره است. ما اکنون فرصتی برای حفاظت از این مکان داریم. دولت‌های مسئول حفاظت از آب‌های قطب جنوب قرار است نشستی در نیمه دوم ماه اکتبر در هوبارت استرالیا برگزار کنند. چه چیزی ممکن است بهتر از حفاظت از اقیانوس قطب جنوب و ایجاد بزرگ‌ترین منطقه حفاظت‌شده روی زمین در قلب آن، در دریای ودل باشد؟ این اقدام، منطقه را دور از دسترس فعالیت‌های آینده بشر نگه می‌دارد. حیات وحش و جانورانی مانند پنگوئن‌ها، شیردریایی‌ها و نهنگ‌ها را حفظ می‌کند و به مقابله با تغییرات اقلیمی کمک می‌کند.من افتخار می‌کنم عضوی از این جنبش بیش از دو میلیون نفری هستم که پیش از آنهایی بوده که به افعال گردهم آمدن جهان بخواهند از منطقه قطب جنوب حفاظت کنند.اکثر این افراد هرگز قطب جنوب را نخواهند دید، اما شور و شوق آنها برای حفاظت از آن الهام‌بخش من است. مردم از سراسر جهان به سیاست‌مداران خود نامه نوشته‌اند، دوستان و خانواده خود را تشویق کرده‌اند که دست به اقدام بزنند. از خیابان‌های پونتوس‌آیرس تا پکن لباس پنگوئن پوشیدند و روی ریخ رقصیدند تا آگاهی عمومی را بالا ببرند و از ژوئاسیورگ تا سئول مجسمه‌های پنگوئن را نصب کرده‌اند. این یک جنبش جهانی برای منطقه‌ای متعلق به همه ماست. اکنون که دولت‌ها برای دیدار در کمیسئون اقیانوس قطب جنوب آمده می‌شوند، میلیون‌ها چشم به چشم‌ها افتاده است و تا آنها می‌خواهد اقدام کنند. از قطب جنوب برای نسل‌های آینده حفاظت کنند. به حیات وحش آن امکان فراوانی و شکوفایی بدهند و بگذارند گونه‌های مهاجر بین اقیانوس‌ها رشد کنند. با کمک به ایجاد اقیانوس سالم، سبب امنیت غذایی جهان شوند. عملکرد اقیانوس قطب جنوب را به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین ذخایر کرین جهان حفظ کنند؛ چون واقعیت این است که آنچه در قطب جنوب اتفاق می‌افتد، همه ما را تحت تأثیر قرار خواهد داد

منبع: گاردین

برنده آبی

زنان را بشنوید

روبه‌رو هستند. دختران و زنان در جامعه نیز با مشکلات متعددی از آزارهای کلامی تا... روبه‌رو هستند. در این توبیت‌ها سعی شده است برخی از این مسائل گفته شود. اما کشف‌ت‌آورتر اینکه زنان امروز ایران با وجود حضور، در اجتماع شاید اطلاع اندکی از مسائل قانونی داشته باشند، هرچند وضعیت آنها نسبت به گذشته بهبود یافته است. زنانی که کتک می‌خورند یا مورد شتم همسران یا خانواده همسرانشان قرار می‌گیرند، اکنون شاید بیشتر از قبل بدانند که می‌توانند با مراجعه به پزشک قانونی شکایت خود را ثبت کنند، هرچند به نظر می‌رسد چندان تمایلی برای این کار نداشته باشند. فیلم‌هایی نظیر «ملی و راه‌های نرفته‌اش» از ته‌مینه میلانی یک دوره آموزشی در این زمینه است. همین‌طور فیلم «جاده قدیم» از منیژه حکمت که درباره زنی است که مورد آزار قرار گرفته. شاید همه اینها کام‌های کوچکی باشد برای بهبود شرایط جامعه.

توجه به طبقه و شغل زنان. گاه این مسئله می‌تواند حضور تعدادی از زنان در ورزشگاه و دیدن بازی تیم ملی باشد و گاه فقر و دردی که بسیاری از زنان در استان‌های مختلف و در حاشیه شهرهای بزرگ به آن مبتلا هستند. شکفت‌انگیزتر اینکه حجم تجربه‌های دردناکی که زنان طبقه متوسط و مستقل تحمل می‌کنند نیز همانند بسیاری از زنان بدسریست و سرپرست خانواده است. این نکته تأکیدی بر این است که آموزش و آگاهی حلقه گمشده‌ای در این میان است. با مروری کوتاه می‌توان مسائل زنان ازدواج‌کرده را در چند دسته تقسیم کرد نظیر ضرب‌وشتم، محرومیت از امکانات رفاهی که در حد و جایگاه آنان است، عدم امکان کارکردن و معاشرت. البته به اینها مسائل دیگری نظیر خشونت کلامی، سخت‌گیری‌های غیرضرور و عدم رعایت شان و منزلت را نیز باید اضافه کرد. زنانی که طلاق گرفته‌اند نیز با مسائل متعددی درباره حضانت فرزندان و عدم تعلق مهریه